



دانشگاه شاهرود

دانشکده هنر

پایان نامه

جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

رشته نقاشی

عنوان پایان نامه: نقد شیوه های آموزش طراحی و نقاشی در فرهنگسراهای تهران

استاد راهنما: جناب آقای مهدی محمدیان

عنوان پروژه عملی: مادر

استاد راهنما: جناب آقای مهدی محمدیان

استاد مشاور: جناب آقای محسن مرآئی

نام دانشجو:

مهدی نیکخواه

دی ماه سال ۱۳۹۰

دانشکده هنر دانشگاه شاهد

چکیده پایان نامه

این چکیده به منظور چاپ در نشریات دانشگاه تهیه شده است

عنوان پایان نامه: نقد شیوه های آموزش طراحی و نقاشی در فرهنگسراهای تهران

استاد راهنما: جناب آقای مهدی محمدیان

استاد مشاور: جناب آقای محسن مرآئی

نام دانشجو: مهدی نیکخواه

شماره دانشجویی: ۸۸۷۴۹۵۵۰۵

رشته: نقاشی

چکیده:

با یک نگاه موشکافانه به توان علمی و عملی هنرجویان رشته های طراحی و نقاشی در فرهنگسراهای تهران واضح است که این مراکز از بدو تاسیس دچار مشکلات زیرساختی در شیوه های آموزشی خود بوده اند. از آنجا که آموزش و پرورش نیروی انسانی در مراکز گوناگون صورت می پذیرد لذا رسیدن به استانداردهای مشترک برای برنامه ریزان مراکز آموزشی و همینطور مدرسین و هنرجویان لازم به نظر می رسد. بر همین اساس پژوهش حاضر تلاش دارد علل کاستی ها و کمبودها در برنامه های آموزشی فرهنگسراها را دریافته و همچنین توانمندی هنرجویان این مراکز را در مقایسه با دانشگاهها و مؤسساتی که آموزش رسمی هنر را به عهده دارند مورد بررسی قرار دهد. ضرورت آموزش تخصصی و آکادمیک در فرهنگسراهایی که رسالت تربیت شهروند کارآمد را برای خود تعریف کرده اند و شناخت نقاط قوت، نواقص و معضلات، در شیوه های آموزشی در موضوع مطروحه از عمده مسائل مورد پژوهش در رساله ی حاضر به شمار می روند.

واژگان کلیدی: نقد، آموزش، طراحی و نقاشی، فرهنگسرا، تهران

نظر استاد راهنما برای چاپ در نشریات مربوط به دانشگاه مناسب است.

تاریخ:

امضاء:

فهرست

۱.....	مقدمه.....
۵.....	فصل اول - تعاریف.....
۶.....	دوره های فرهنگی و انقلاب شهرنشینی.....
۸.....	آغاز شهرنشینی در تهران.....
۸.....	تهران روستایی خارج از شهر باستانی ری.....
۱۰.....	دستاورد های انقلاب شهرنشینی.....
۱۰.....	شهروندی و قابلیت های زندگی شهری.....
۱۱.....	آموزش های عمومی در ایران باستان.....
۱۴.....	آموزش های عمومی پس از ورود اسلام به ایران.....
۱۵.....	آموزش در مکتب خانه ها و مدارس.....
۱۶.....	آموزش عمومی هنر.....
۱۸.....	نظریات پرکینز در خصوص آموزش هنر.....
۱۹.....	آموزش هنری توأم با تفکر و انتخاب.....
۲۱.....	مبنای روانشناختی برنامه های آموزش هنر.....
۲۱.....	سخنی پیرامون آموزش هنر به کودکان و نوجوانان.....
۲۲.....	پیامدهای اساسی آموزش هنری.....
۲۳.....	مراکز آموزش هنر.....
۲۴.....	سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران.....
۲۷.....	فرهنگسرا.....
۲۸.....	خانه های فرهنگ.....
۳۰.....	فصل دوم - شیوه ی تحقیق و روش های گردآوری اطلاعات.....
۳۳.....	روش پژوهش در رساله ی حاضر.....
۳۵.....	بررسی ابزار مورد استفاده در پژوهش حاضر.....
۳۶.....	فرم های پرسش نامه در رساله ی حاضر.....
۳۷.....	مصاحبه های رساله ی حاضر.....
۳۸.....	برنامه های آموزشی و اسناد دیگر.....
۳۸.....	عکس ، منابع کتابخانهای و اینترنتی.....

۴۰	فصل سوم- یافته های پژوهش و تجزیه تحلیل اطاعات
۴۹	اطلاعات جزء به جزء در خصوص ۲۲ فرهنگسرای اصلی شهر تهران
۴۹	فرهنگسرای خاوران
۵۰	فرهنگسرای بهمن
۵۱	فرهنگسرای خانواده
۵۲	فرهنگسرای ابن سینا
۵۳	فرهنگسرای اخلاق
۵۴	فرهنگسرای اشراق
۵۴	فرهنگسرای اقوام
۵۵	فرهنگسرای امید
۵۶	فرهنگسرای پایداری
۵۷	فرهنگسرای خاتم
۵۸	فرهنگسرای رازی
۵۸	فرهنگسرای سرو
۵۹	فرهنگسرای عطار
۶۰	فرهنگسرای فردوس
۶۱	فرهنگسرای کار
۶۲	فرهنگسرای مدرسه
۶۳	فرهنگسرای ملل
۶۴	فرهنگسرای مهر
۶۴	فرهنگسرای ولاء
۶۵	فرهنگسرای هنر
۶۷	تجزیه و تحلیل اطلاعات کلی فرهنگسراها در خصوص برنامه های آموزشی ، مدرسان و هنرجویان
۷۹	آزمون فرضیه ها و نتیجه گیری
۸۳	فهرست اعلام
۸۴	فهرست منابع تصاویر
۸۵	کتابشناسی
۸۵	کتابنامه

۸۶ مقاله نامه
۸۷ منابع اینترنتی
۸۸ پایان نامه
۸۹ ضمائم
۱۱۲ گزارش پروژه عملی
۱۲۳ چکیده انگلیسی

پیشگفتار

پرورش نیروی انسانی کارآمد و متخصص از شاخصه های اصلی یک جامعه موفق و رو به رشد محسوب می گردد. افراد تحصیل کرده در هر رشته و زمینه ای همواره راهگشای مشکلات و معضلات مردمان دیار خود هستند و بدون وجود آنها قطعاً حرکت های فکری و جهت گیری ها و برنامه ریزی ها به بیراهه خواهند رفت. چنین افرادی اگر از یک نهاد یا مرکز علمی خارج شده باشند حتما دارای توانمندی و تأثیرگذاری مثبت بر دیگر مردمان خواهند بود اما در صورت خروج از مراکز غیر معتبر صرفاً به عنوان افرادی روشنفکر نما و سایه ای از انسان تحصیلکرده نمایان خواهند شد که این باعث بدبینی در اقلشار کم سواد و کج روی های بعدی خود آنان خواهد شد. آموزش هنر که یکی از مهمترین دغدغه های مسئولان حیطه ی فرهنگی کشورهای مختلف جهان بوده، همواره از بحث برانگیزترین انواع آموزش به حساب آمده است. چرا که هم سلايق شخصی در آن ورود می یابد و هم تنوع موضوعات و گستردگی فلسفی، فکری و تکنیکی آن به حق از تمام رشته ها و علوم بیشتر و گوناگون تر است. در چنین شرایطی انجام تحقیقات و بررسی های میدانی بدون شک راهگشای برنامه ریزان مراکز آموزشی که مورد پژوهش قرار میگیرند، خواهد بود. سخن در خصوص کیفیت آموزش هنر مستلزم تحقیقات گسترده در این خصوص و دستیابی به آمارها و مقیاس های مربوط به این حوزه می باشد.

پس از پیشنهاد استاد محترم راهنما جناب آقای مهدی محمدیان، برای انتخاب موضوع پایان نامه ی حاضر، در خصوص نقد شیوه های آموزش طراحی و نقاشی در فرهنگسراهای شهر

تهران، از آنجا که خود نیز چند نمایشگاه نقاشی انفرادی و گروهی در این مراکز برگزار کرده بودم و آشنایی نسبی با کارکنان و محیط این اماکن داشتم، نسبت به انجام چنین پروژه ای در خود احساس علاقه کردم. لذا پس از بررسی بیشتر با توکل به خداوند متعال انجام این رساله ی میدانی را به عهده گرفته و در حد توان و بضاعت خویش آن را پیش بردم.

در فرصت پیش آمده ی این نوشتار، مراتب تشکر و قدردانی خود را از استاد راهنمای خود جناب آقای مهدی محمدیان، و استاد مشاور جناب آقای محسن مرآئی که هر دو بزرگوار صمیمانه مرا در انجام این تحقیق یاری نمودند، ابراز می دارم. و از تمامی اساتید محترمی که به صورت مستقیم یا غیر مستقیم مرا در طول دوره ی تحصیل به فیض رساندند تقدیر و تشکر مینمایم. همچنین از همه ی کارکنان سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران و فرهنگسراها از جمله خانمها فیلی، سپاهی، وزیری و آقایان ملکی، برکچیان، تولایی و دیگر عزیزانی که در انجام این پروژه میدانی دست یاری به این حقیر دادند کمال تشکر و امتنان خود را اعلام می دارم. امیدوارم همه خوانندگان این رساله ی میدانی از جمله کارشناسان فن، کاستی ها و کمبود های این نوشتار را به حساب کم تجربه بودن این حقیر گذاشته و با تذکرات خود راهگشای محققین بعدی در این زمینه ها باشند.

مقدمه

رساله‌ی حاضر سعی در نقد و بررسی شیوه‌های آموزش طراحی و نقاشی در فرهنگسراهای شهر تهران دارد. تلاشی که با یک نگاه موشکافانه به نتایج عملکرد فارغ‌التحصیلان رشته‌های مختلف تجسمی در سراسر کشور و بررسی سطح علمی آنها به لحاظ کاربرد آموخته‌های هنری، لازم به نظر می‌رسد. از آنجا که فرهنگسراها قویاً دچار مشکلات زیرساختی در شیوه‌های آموزشی خود هستند و جدای از آن اساس کارکرد آموزشی خود را بر تقویت شهروندان نمونه و کارآمد بنا نهاده‌اند، لذا این‌طور به نظر می‌رسد که شیوه‌های تدریس دروس هنری، از جمله رشته‌های مطرح شده در این رساله یعنی طراحی و نقاشی، تفاوت‌های چشمگیری با مراکز دانشگاهی داشته باشند.

تعریف مساله و بیان سوالهای اصلی تحقیق: مسئله اصلی در تحقیق حاضر این است که شیوه‌های غلط و غیر رسمی در آموزش هنرهای تجسمی ضمن طولانی بودن زمان دوره‌ها در طی چندین ترم باعث اتلاف وقت شهروندان و همچنین صرف هزینه‌های بی‌دلیل برای این امر می‌گردد که کاربرد عملی در زندگی عموم هنرجویان ندارد. از این رو اولاً ضرورت آموزش

تخصصی و آکادمیک در فرهنگسراهایی که رسالتی جدای از این امر را برای خود تعریف کرده اند و دوماً شناخت نقاط قوت ، نواقص و معضلات ، و بیان راهکارهای صحیح در شیوه های آموزشی موضوع مطروحه ، از عمده مسائل اصلی این پژوهش به شمار می روند .

سؤالات تحقیق : در آغاز این پژوهش ، سؤالات اصلی که به ذهن محقق متبادر گردید اغلب

حول محور بخش آموزش فرهنگسراها دور می زند . سؤالات تحقیق عبارتند از :

۱- آیا آموزش طراحی و نقاشی در فرهنگسراهای تهران بر مبنای برنامه ریزی صحیح تدوین گردیده است ؟

۲- آیا هنرجویان فرهنگسراهای تهران از تواناییهای علمی و هنری متناسب با برنامه های آموزشی خود بهره مند هستند ؟

بیان فرضیات تحقیق : بر اساس پرسشهای ذکر شده است که فرضیه های رساله ی پیش رو شکل گرفتند .

۱- بنا بر فرضیه اول به نظر می رسد که برنامه های آموزش هنر (طراحی و نقاشی) در فرهنگسراهای تهران چندان علمی و منطبق با شیوه های آکادمیک نیستند .

۲- و بر پایه فرضیه دوم به نظر میرسد که سطح علمی و عملی هنرجویان و فارغ التحصیلان این قبیل رشته ها به جز برخی افراد ، در اکثر موارد متناسب با حداقل برنامه های آموزشی ارائه شده برای آنها نبوده و توانمندیهای آنان پایین تر از حد انتظار است .

اهداف اصلی و فرعی تحقیق : از اهداف اصلی که رساله ی پیش رو دنبال می کند به روز رسانی کلیه امور آموزشی و از همه مهمتر آموزشهای فرهنگی و هنری به عنوان تاثیرگذارترین ابزار بر شئونات زندگی مردم را میتوان مثال زد و همچنین شناخت نقاط ضعف و قوت آنها برای رفع نواقص آموزشی به لحاظ دسترسی در محلات و همینطور ارزیابی نسبی شهریه ها ، به عنوان

یک هدف اصلی دیگر در تحقیق حاضر ضروری می نماید . اما اهدافی فرعی را هم در این راستا می توان بازشناخت از جمله درک تفاوت های مراکز آموزش عمومی با اماکن تخصصی تر مثل دانشگاهها و مؤسسات فنی و حرفه ای و در صورت لزوم ایجاد رابطه و همسویی بین آنها تا این مراکز بتوانند با معیارهای قوی تری به کار خود ادامه دهند .

نتایج اصلی تحقیق : از نتایج و پیامدهای تحقیق حاضر می توان انتقال اطلاعات صحیح به شهروندان جهت انتخاب درست مرکز آموزشی در رشته مورد علاقه خود و صرفه جویی در هزینه ها و عدم اتلاف وقت علاقه مندان رشته های طراحی و نقاشی ، بدین صورت که تفاوت رسالت آموزشی بین فرهنگسرا و یک آموزشگاه آزاد هنری به خوبی مشخص می گردد و یا شاید تأثیر این رساله برای تبدیل فرهنگسراها به یک بستر مناسب تا افراد آموزش دیده در این مراکز علاوه بر ارضای علایق و سلیق شخصی خود به عنوان یک شهروند ، بتوانند همانند یک فرد صاحب نظر و آگاه در این رشته ها فعالیت نمایند .

روش انجام تحقیق و روش گردآوری اطلاعات : روش انجام این پژوهش بر اساس ماهیت آن ، توصیفی است . شیوه ی گردآوری اطلاعات هم به روش ترکیبی ، از جمله کتابخانه ای ، میدانی و اینترنتی صورت پذیرفته است . جامعه اصلی آماری رساله ی پیش رو برنامه های فرهنگسراهای تهران هستند که روش نمونه گیری هم در آن به صورت سازمانی یا وضعی انجام شده است . بدین صورت که ۲۲ فرهنگسرای اصلی شهر تهران به عنوان نمونه های تحقیق مورد ارزیابی قرار گرفته و روش تجزیه و تحلیل اطلاعات این مراکز هم اغلب به صورت کیفی هستند .

پیشینه پژوهش : متأسفانه پیشینه ای چندان مرتبط با عنوان این رساله برای پیشبرد بهتر تحقیق بر اساس یافته های محققان گذشته یافت نشد اما از جمله پیشینه های نه چندان مرتبطی که می توان نام برد چند پایان نامه هستند که فقط عناوین آنها به شرح زیر ذکر می گردند :

پایان نامه ای با عنوان بررسی علایق فرهنگی، هنری دانش‌آموزان دختر مقطع راهنمایی در رابطه با چگونگی گذران اوقات فراغت درنواحی پنجگانه شهر اصفهان در منطقه جی، نوشته ی خانم پروین رفیع‌زاده و پایان نامه دیگری با عنوان بررسی کاربرد اصول طراحی آموزشی در دروس هنر به نگارش آناهیتا کاوه و همچنین بررسی نقش آموزش در توسعه نیروی انسانی، پایان نامه ای که توسط مهین نحاسی نوشته شده است.

این رساله در ۳ فصل جداگانه به نگارش درآمده است. در فصل اول آن به تعاریف و تاریخچه ها پرداخته شده است. در فصل دوم به شیوه ها و چگونگی دریافت اطلاعات اشاره شده و فصل سوم آن یافته های تحقیق و تجزیه و تحلیل اطلاعات را بیان می دارد. در ادامه ی مطالب پس از نتیجه گیری و فهرستها، ضمائم و اسناد مرتبط با رساله قرار گرفته اند.

از جمله مواردی که در روند این پژوهش بد نیست به آن اشاره شود، موضوع سختی کار تحقیقات میدانی است. مثلاً بیش از ۵۰ سفر درون شهری برای پخش پرسشنامه ها و انجام مصاحبه ها و کسب اطلاعات، و همچنین نزدیک به ۷۰ تماس تلفنی برای هماهنگی جهت اعزام ها و یا کسب اطلاعات تکمیلی، گواهی بر این ادعاست. دافعه ی برخی از کارکنان فرهنگسراها و سیل انتقادات آنها در رویارویی با پرسشهای محقق نیز از جمله ی همین سختی ها هستند.

فصل اول

تعاريف

۱- فصل اول

از آنجا که پژوهش حاضر پیرامون یکی از مباحث مربوط به حوزه ی فرهنگ شهری است و کلیات آن به مبحث آموزش در یکی از نهاد های برخوردار از تمدن تکامل یافته ی انسانی مربوط می گردد ، لذا در ابتدای امر اشاره ای کوتاه به عوامل مؤثر در رسیدن انسان به نقطه ی کنونی خود داشته و در همین راستا به موضوع آغاز شهرنشینی در جهان و ایران و همینطور مبحث تمدن و تکامل آموزش های بشری خواهیم پرداخت .

۱-۱- دوره های فرهنگی و انقلاب شهرنشینی

سرآغاز و شروع دوره های تمدن و فرهنگ با پیدایش ابزار و دست ساخته های انسان شکل گرفت . از همین رو دوره هایی که از سوی باستان شناسان ارائه گردیده تا حدود زیادی با دوره های زمین شناسی هماهنگی دارند و در تداوم آنها می باشند . این دوره ها که به پالئولیتیک ، مزولیتیک ، نئولیتیک و کالکولتیک مشهور هستند و هر کدام هزاران سال طول کشیدند ، در نهایت به انقلاب شهرنشینی یا آغاز دوران تاریخی بشر انجامیدند . این دوران از ۵ هزار سال قبل شروع

شده و تحولات آن تا حال حاضر ادامه دارد.^۱ اما همچنین باید گفت از جمله علتها ودلائل به وجود آمدن شهرها نیز بادیه نشینی است که به منزله ی اصل و گهواره ای برای شروع تمدنها به حساب می آید و همواره مقدم بر شهرنشینی و یا هر گونه اسکان دائمی دیگر ذکر گردیده است.^۲

انسان شهرنشین توانست به مدد زندگی اجتماعی خود و همچنین در سایه تشکیل دولت شهرها که به تدریج در حال تکامل بودند، به ویژگیها و دستاورد های نوینی دست یابد که سرنوشت و آینده ی او را در مسیر تازه ای هدایت کردند. با توجه به وجود آمدن دولتها در این دوران، واژگانی مانند فرهنگ، فرهنگ عمومی، شهر و تمدن و امثال آن مفهوم یافته و می توان تعاریف کلیشه ای و خاصی را در آنها جستجو کرد. بحث در باب خود واژه فرهنگ، از گستردگی زیادی برخوردار است و به لحاظ همین گستردگی تا کنون تعریف واحدی که همگان در خصوص آن اتفاق نظر داشته باشند، ارائه نشده است. بسیاری از صاحب نظران حوزه ی فرهنگ و تمدن مانند تایلور^۳ آن را مجموعه ی پیچیده ای مشتمل بر معارف، معتقدات، هنر، حقوق، اخلاق، رسوم و تمامی توانایی ها و عاداتی که بشر به عنوان عنصری از جامعه اخذ می نماید، دانسته اند که البته تعاریف بسیار دیگری هم در این خصوص وجود دارد. فرهنگ عمومی نیز حوزه ای از نظام فرهنگی جامعه است که پشتوانه آن اجبار قانونی و رسمی نیست، بلکه تداوم آن در گرو اجبار اجتماعی اعمال شده از سوی آحاد جامعه و تشکل ها وسازمان های غیردولتی (غیر رسمی) است.^۴

اما برای ورود به مبحث شهرنشینی در ایران زمین باید گفت از زمانهای قدیم، اقوام و نژاد های گوناگونی به سرزمین ایران آمده و به شهرنشینی رسیده اند که سرانجام اقوام ایرانی همه ی آنها را در خود مستهلک کرده اند. عیلامیان از قدیمی ترین اقوام شناخته شده در ایران زمین هستند که

۱. فائق توحیدی، *آشنایی با میراث فرهنگی عمومی*، جلد ۱، چاپ اول، سازمان میراث فرهنگی، تهران، ۱۳۸۰، ص ۱۳

۲. یوسف مجید زاده، *آغاز شهرنشینی در ایران*، چاپ اول، مرکز نشر دانشگاهی، تهران، ۱۳۶۸، ص ۱۰

۳. انسان شناس انگلیسی قرن ۱۹ (Taylor)

۴. محسن فردرو، *مطالعه وضع فرهنگ عمومی*، چاپ اول، روزین، تهران، ۱۳۸۱، ص ۳۶

به شهرنشینی و تمدن رسیده اند. آنها شهر شوش را بنیان نهادند.^۱ سخن پیرامون شهرنشینی در ایران گستردگی زیادی دارد. اما از آنجا که پژوهش ما مربوط به یک فعالیت آموزشی در شهر تهران می باشد، سعی بر آن است که تمرکز بیشتری روی این شهر و تاریخچه ی آن داشته باشیم.

۱-۲- آغاز شهر نشینی در تهران

طبق حفاریهای به عمل آمده، در نزدیکی ری محلی که آنرا (چشمه علی) می خوانند، آثار تمدن کهنی پیدا شده حاکی از آن که در حدود ۶۲۰۰ سال پیش از این، گروهی از مردم دره ی سیلک کاشان مهاجرت کرده و به نزدیک ری آمده اند. آنها در آنجا سکنی گزیده و شهرنشینی آغاز کردند. آثار ظروف منقوشی که از این مردم به دست آمده، روشن می کند که تمدنشان به تمدن مردم سیلک کاشان مربوط بوده در حالی که خودشان از آن مردم جدا شده اند.^۲

۱-۲-۱- تهران روستایی خارج از شهر باستانی ری

نگاهی کوتاه به تاریخ بلند مدت اسکان مردم در قسمت‌های مختلف ایران نشان می دهد که تهران از نظر راهبردی (استراتژیک) بسیار حائز اهمیت است. تهران روستایی کوچک و خارج از شهر باستانی ری بود. ری هم اکنون در کنار این کلان شهر قرار دارد و به عنوان سلف تاریخی تهران تلقی می شود. از ۶ هزار سال پیش همواره در شهر ری که به آن ریگا یا ریگای باستانی گفته می شد، جمعیت گسترده ای زندگی می کرد. با ورود اعراب به ایران این شهر به دست آنان اشغال می شود و بوسیله خود شهروندان، شورش و طغیانی دیگر هم به وقوع می پیوندد. به طوری که این شهر باستانی، به کلی از بین می رود و به جای آن شهر جدیدی احداث می گردد. نام ده تهران اولین بار در سفرنامه ای که در قرن پنجم ه. ق نوشته شده آمده است. در اسناد قرن ششم ه. ق آمده که این شهر انارهای بسیار مشهور و خوبی داشته است. موقعیت استراتژیک

^۱. یوسف فضائی، *پیدایش انسان و آغاز شهرنشینی*، چاپ اول، امیرکبیر، تهران، ۱۳۴۷، ص ۲۰۰

^۲. همان، ص ۲۰۵

تهران و باغهای وسیع آن توجه پادشاهان صفویه را به این شهر جلب نمود. شاه طهماسب صفوی موقعی که آرامگاه یکی از نیاکان خود را در نزدیکی حرم حضرت عبدالعظیم زیارت می کرد به شهر تهران توجه نمود و چندی بعد در این شهر بازاری احداث و دور شهر برج و بارو کشید و بدین ترتیب تهران به شهری واقعی تبدیل شد. کریمخان زند نیز در اواخر قرن دوازده ه. ق تصمیم گرفت شهر تهران را پایتخت اعلام کند اما این تصمیم به دست سلسله بعدی یعنی قاجاریه به واقعیت پیوست.^۱

داستان تهران یک مطالعه ی خاص در تنش های حاصل از نوگرایی یک شهر است. بحث و گفتگو در رابطه با نوگرایی و پسانوگرایی (پست مدرنیسم) در بیست و پنج سال گذشته به خصوص در غرب بازاری گرم داشته است. تاریخ معاصر شهر تهران، از این نوع مناظره ها به خصوص در رابطه با نوگرایی و دلایل رد یا پذیرفتن آن بسیار دیده است. دو انقلابی که در قرن اخیر در این شهر اتفاق افتاد نقاط عطف این مناظره هستند. انقلابی که در اوایل قرن بیستم اتفاق افتاد، به شدت نوگرایی را تشویق نمود و انقلاب دوم در انتهای قرن، شک و تردید های جدی درباره ی نوگرایی مطرح کرد. این علائم تلاش های یک شهر و در واقع یک کشور را برای یافتن جای خود در عرصه جهانی نشان می دهد.^۲

در دهه های اخیر رشد جمعیت از یک سو و کاهش نقش نسبی درآمد های نفتی در ساختار اقتصادی از سوی دیگر، باعث تضعیف مازاد اقتصادی (درآمدهای حاصل از صادرات نفت) که زیربنای شهرنشینی را تشکیل می داد شد.^۳

^۱ علی مدنی پور، *تهران ظهور یک کلان شهر*، چاپ اول، شرکت پردازش و برنامه ریزی، تهران، ۱۳۸۱، ص ۵ تا ۸

^۲ همان، پیشگفتار

^۳ محمد جواد مهدوی نژاد، *نهادهای اجتماعی و توسعه ی فرهنگی* (مجموعه مقالات)، چاپ اول، شهر، تهران، ۱۳۸۸، ص ۲۰

۱-۳- دستاوردهای انقلاب شهرنشینی

همانطور که قبلاً هم در مبحث انقلاب شهرنشینی اشاره کردیم انسان پس از این تحول به دستاورد هایی رسید که سرنوشت آینده ی او را در مسیر تازه ای انداخت . ارمغان های انقلاب شهرنشینی مختصراً به شرح زیر می باشند :

الف . خط و ادبیات

ب . تاسیس دولت

ج . قانون

د . حق مالکیت

ه . جامعه طبقاتی

ی . تعلیم و تربیت : یکی از مهمترین ویژگیهای جامعه شهرنشین ، نیاز به تعلیم و تربیت بوده و هست . در بسیاری از مناطق جهان در ایام باستان این امر در اختیار معابد بود^۱ .

۱-۴- شهروندی و قابلیت های زندگی شهری

عواملی که تعریف شهروندی را شکل می دهند به مسائلی چون منافع شخصی ، قدرت و برخورد تضاد منافع ، پیوند خورده اند . برای مثال ، حقوق شهروندان رابطه نزدیک و محکمی با اولویت ها و واکنش های غیرمنطقی بازار و نظام حکومتی دارد . بحران های اقتصادی می توانند باعث شوند که تحت تاثیر رقابت صنعتی ، برخی از حقوق اجتماعی شهروندان از آنان گرفته شود.

^۱ . فائق توحیدی ، ص ۲۱

جنگ میان کشورها و درگیری های داخلی نیز می تواند به طور فاحشی مفهوم شهروندی را تغییر بدهد.^۱

چنانچه ما در پی پایداری اجتماعی یک کلان شهر باشیم ، به اقدامات فرهنگی و آموزشی گسترده ای نیاز است . یکی از مهمترین معیارهای قابلیت زندگی شهری ، کیفیت زندگی شهروندان آن است . البته سنجش کیفیت زندگی شهری به دلیل ادراکی و ذهنی بودن ، بحث انگیز و دشوار است . اما برخی ویژگی ها به طور جهان شمول و عام ، تقریباً مورد پذیرش همگان قرار گرفته است که مهمترین آنها عبارتند از : امنیت ، سلامت ، حقوق بشر ، آسایش و رفاه اجتماعی .^۲

همانطور که قبلاً هم ذکر شد تعلیم و تربیت یا به عبارت دیگر آموزش از دستاوردها و همچنین ملزومات زندگی شهری محسوب می گردد . سخن در خصوص آموزشهایی که به مردمان مختلف در جهان و در طول تاریخ داده شده بسیار گسترده است . اما برای روشن شدن و شناخت بهتر مقوله آموزش و آموزش های عمومی در ایران که خود شاکله ی اصلی تحقیق حاضر است ، به بررسی بیشتر این موضوع و همچنین برخی مسائل مرتبط با آن می پردازیم .

۱-۵- آموزشهای عمومی در ایران باستان

الف . آموزشهای دینی

نخستین ، رسمی ترین و همگانی ترین نوع آموزش در ایران باستان ، آموزش دینی و اخلاقی بود که بیشتر در مراکز مذهبی آموزش داده می شد . در پند نامه ی بزرگمهر آمده است :

« هر کس باید یک سوم از شبانه روز را صرف پرورش دینی کند . »

ب . آموزش اداری و کشوری

^۱ . کیث فالکس ، *رویکردهای نوین شهروندمداری* ، ترجمه محمد حسن امامی ، چاپ اول ، شهر ، تهران ، ۱۳۸۸ ، ص ۲۱

^۲ . محمد جواد مهدوی نژاد ، ص ۷۲

برای اداره ی کشور پهناوری مانند ایران باستان ، نیاز به مدیرانی بود که بتوانند هدف ها و سیاست های دولت مرکزی را اجرا کنند .

ج . آموزش نظامی

در تاریخ آمده است که هُوَخَشْتَر شماری از شکارچیان و جنگ آوران سکایی را به عنوان مربیان نظامی به استخدام خود در آورد . پس از زیر و بم های بسیار از لحاظ لشکر و لشکرکشی، کوروش ارتشی را آموزش و مهیا کرد .

د . آموزش سیاسی

نوشتن مفاد تعهدنامه ها به زبان های گوناگون دلیلی است بر این که دیپلماسی آن روزگاران در حد بالایی از رشد سیاسی بود و از این رو ، سیاستمداران ایران نیز می بایستی با زبان های بیگانه آشنایی داشته باشند .

م . آموزش صنعتی و حرفه ای

با توجه به مدارک تاریخی ، هنر سفالگری ، فلزکاری ، بافندگی ، چوب و شیشه و حتی کاغذسازی در دوران باستان با اهمیت بوده است و کارگران برجسته تقدیر و تشویق می شدند . نقاشی های پیشرفته نسبت به آن زمان بر روی سنگ ها و سفال ها اهمیت این هنر را بهتر نشان می دهند .

ن . آموزش بهداشت

این آموزش بر اساس باورهای دینی بود و جنبه های ملی نیز داشت . ایرانیان تندرستی و نیرومندی را از اهورامزدا می دانستند و هنگام نبرد از او یاری می طلبیدند .

و . آموزش عالی و فنی

یکی از بارزترین مراکز علمی و آموزشی دوره ی ساسانی که تا سده ی سوم هجری به فعالیت خود ، به ویژه در دانش پزشکی ادامه داد ، دانشگاه سرشناس جندی شاپور یا گندی شاپور است . این دانشگاه در میان آموزشگاههای عالی موجود در داخل ایران و در امپراتوری روم از شهرت و امتیاز بیشتری برخوردار بوده است .

ه . آموزش های مخصوص دختران

در دینکرت به نقل از اوستا آمده است :

« به دختران باید خانه داری آموخت . »

اما دختران طبقات بالای اجتماع مانند شاهان و درباریان و امیران از آموزش هایی مانند چوگان بازی و سوارکاری نیز برخوردار می شدند . آموزش موسیقی نیز در بین دختران همین طبقات رایج بود .

ی . آموزش هنری

اگرچه هنر در ایران باستان بسیار پیشرفت کرده بود اما از شواهد و قراین و محل کشف آثار به دست آمده چنین برمی آید که هنر اغلب در خدمت طبقات بالای جامعه و دربار بوده است . با وجود این نمی توان ارزش آموزشی و خدمتی را که هنر به شکل غیر مستقیم به جامعه و حتی جوامع همسایه ایران کرده بود ، انکار کرد . در همین باب پروفیسور پوپ^۱ می گوید :

« هنر هدیه ی دائم ملت ایران به تاریخ جهان بوده است . »^۲

با وجود ویژگی های مثبتی که در روند آموزش و پرورش ایران باستان وجود داشته است ، این نظام آموزشی از محدودیت ها و به عبارت بهتر ، از معایبی رنج می برد . از جمله :

^۱ مورخ و ایران شناس شهیر آمریکائی

^۲ علی اکبر ارجمندنیا ، *نگاهی به تاریخ آموزش در ایران* ، چاپ اول ، دفتر مطالعات فرهنگی و برنامه ریزی اجتماعی ، تهران ، ۱۳۸۹ ، ص ۲۱ تا ۲۷